

گزارشی از وضعیت کارگران اخراجی کارخانه آزمایش مرودشت

خبرنگار کمیته کارگری پویا

بیست سوم دی ماه هشتاد و شش

بعد از شنیدن خبر يك هفته اعتصاب کارگران زحمتکش آزمایش مرودشت و ابلاغ حکم اخراج ۴۰ تن از کارگران این کارخانه در صدد برآمدیم گزارشی از این کارگران تهیه کنیم ، در تماس هایی که با این کارگران و خانواده های آنها داشتیم از شنیدن درد های آنها و ظلمی که به آنها میشود دردی عمیق را در قلب و روح و وجدان انسانی احساس میکنیم ، پس تصمیم گرفتیم صدای آنها باشیم تا بتوانیم حق آنها را که به زور و با تهدید و اخراج از گرفته شده ، از حلقوم ظالمان بگیریم و هر کمکی که از دستمان چه ما و چه شما برای آنها بر میاید انجام دهیم ، سلسله گزارشاتی را در این مورد برای اطلاع عموم تهیه کردیم که از همه میخواهیم بعد از خواندن این گزارش لحظه ای به این کارگران و خانواده هایشان فکر کنند و خود را لحظه ای بجای آنها بگذارند راستی چه کاری از دست ما و شما برای آنها ساخته است؟ به قول شاعر نامی حافظ

بنی آدم اعضای يك پیکرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضو ها را نماند قرار

برای اینکه پیشینه ای از این کارخانه و اقدام به اخراج این کارگران داشته باشید به اختصار توضیح میدهم که این کارخانه چندین ماه حقوق کارگران را نداده بود کارگران شجاع این کارخانه مدت ۴۰ روز برای گرفتن حقوق معوقه و پاسخگویی مسئولین اعتصاب کردند، بعد از طرف روسا و مقامات و... و عده و عید های رسیدگی داده شد و اینکه طبق قانون طبقه بندی مشاغل به کارگران اضافه حقوق هم داده خواهد شد ، کارگران به سر کار برگشتند ولی این وعده ها عملی نشد تا اینکه در تاریخ ۲۸ آذر دوباره کارگران برای گرفتن اضافه حقوق و رسیدگی به درخواستهایشان به مدت يك هفته اعتصاب کردند که این بار روسا کارخانه در تاریخ ۲ دی ماه با شکایت اداری به اداره و شکایت حقوقی به دادسرا به اتهام تخریب و فحاشی به این کارگران ۴۰ تن از این کارگران را اخراج کرده است، این عمل باعث خشم و ناراحتی کارگران آزمایش مرودشت شده است اکثر این کارگران سخنگویان و نمایندگان این کارگران در اعتصاب بوده و این حرکت ظالمانه نوعی اهرم فشار و خفه کردن صدای کارگران بوده است. ما برای گرفتن حق این کارگران سلسله گزارشاتی از گفتگوها و مصاحبه هایی که با این کارگران داشتیم که تقدیم می شود.

وقتی از وضعیت آقای ... شنیدیم که همه کارگران و دوستانش از بیماری و ناراحتی قلب ایشون و اینکه الان در وضعیت خیلی وخیمی قرار دارند میگفتند و نگران بودند ، من هم احساس نگرانی و همدردی کردم، تصمیم گرفتم با همسرش مصاحبه ای داشته باشم، صدای گرم و غمگین و بغضی فروخورده ای در گلو داشت اما با اعتماد به نفس حرف میزد، معلوم بود که دلی پر درد اما عزمی راسخ برای ایستادن در مقابل سختی ها و سپر ناملایمات بودن دارد، سوال را با او از اینکه چی شد که همسر شما و بقیه این کارگران اخراج شدند شروع کردم:

همسر من الان از لحاظ جسمی در وضعیت خوب نیست در سی سی یو بوده از اونچه که من تحقیق کردم و خواستم ببینم مشکل همسر من با کارخانه چی بوده؟ متوجه شدم (يك مقدار!!!!!!) در حرقشون اجحاف شده، یعنی يك نامه ای بهشون دادن از اداره کار که اونها را بدون سنوات و بدون اینکه حق و حقوق حقیقی شون رو بهشون بدهند از کارخانه اخراج کردند، همون باعث شد که ایشون دقیقه به دقیقه حالش بد تر بشه و سر نماز کارشون به بیمارستان کشیده بشه. میپرسم: آیا کاری کردین؟ از کسی علت رو پرسیدین؟

من خودم هم خیلی تماس گرفتم و دلیل قانع کننده نمیآوردن که علت اخراجشون چی بوده؟؟ چرا اخراج شده اند فقط گفتند که پارسال کارگرها اعتراض کرده بودند که خواستار حقوق و اینکه چرا بهشون رسیدگی نمیشه فقط همین ، حالا اونها در حق کارگرها دارن خیلی ظلم میکنند خیلی راحت دستشون رو میگیرن میگن شما اخراج هستین، در صورتی که شوهر من بوی ادکلن نباید میشنید و لی ماسک میزد و در قسمت سمی کارخانه کار میکرد. من هم خیلی میخواستم باهاشون صحبت کنم اما اصلا مرا نپذیرفتند من فقط میخواستم شرح حال شوهرم را بگویم که وضعیتش اینطوریه و در سی سی یو است حالش خیلی خرابه چون خیلی ناراحته که ناحق اینها رو بیرون کردن اما اصلا من رو پذیرا نبودن خواستن حتی حرفهام رو بشنون و بهم گفتن که ریس شرکت اینقدر عصبانیه که حتی حاضر نیست حرف کسی رو بشنوه، من هم گفتم ایشون عصبانی هستند چون شوهر من داره با مرگ دست و پنجه نرم میکند... واقعا ظلم شده، همیشه حکایت ظالم و مظلوم بوده اما این یکی دیگه واقعا نوبرش است، از شما هم میخوام حداقل به این طریق صدای ما را برسانید.

چند خانواده رو واقعا دارن اذیت میکنند خانواده من رو هم دارن بی سرپرست میکنند بخاطر همون حرکت و به خاطر همین ظلمی که در حقیقت کرده اند، گفتند شکایتی که (کارفرما) کرده بودند اهرم فشاری بود که روی کارگران وارد کردند، میخواستند کارگرها را يك جوری دست خالی بیرون کنند.

داخل شکایت نوشته بودند تخریب و فحاشی در صورتی که روزی که این اتفاق افتاده شوهرم در قسمت قلب کارخانه کار میکرد که به هیچ عنوان نمیتونسته حتی يك دقیقه هم اونجا رو ترك کنه، همه هم شاهد هستند خودشون هم قبول دارن، میگن که ما میدونیم که آقای ... فلان تاریخ کارت دارن بالاخره کارتهاشون ساعت خاصی پانچ میشه و گفتن که ما هم خودمون قبول داریم ولی بدون دلیل دلشون خواسته اخراج کنند. يك روزی که اعتراض شده در فیلم برداری که کردن آقای .. اونجا ایستاده بود و يك سال پیش الان دارن بهش رسیدگی میکنن، این نشون میده که اینها چقدر واقعا بی انصاف هستند.

سرتخریب و فحاشی بهشون گفتم همسر من کجا را تخریب کرده؟؟؟؟! چی رو تخریب کرده؟؟؟؟! مریضی که يك كيلو بار نمیتونه بلند کنه و دوتا پله را نمیتونه بالا بره و کلا از کار افتاده کلی است!!!!!! گفتم که متأسفانه کشور ما تا کسی رو به موت نباشه از کار افتاده نمیتونه بشه، میگن حتما باید عمل باز انجام بده که بتونیم از کار افتاده بکنیم.

میگویم کجا چه فحشی داده؟؟؟ همه اش بدون جواب ماند، دلشون خواست و دوست داشتن اخراج کنن، دوست داشتن از لحاظ روحی به این وضعیت و بیمارستان بکشونن، من با مسئولین هم شرح حال میگفتم و خواهش میکردم به خاطر وضعیت جسمی آقای .. يك کاری برایش بکنند، تا الانهم هیچ کاری برایش نکردن.

گفتند اینها شورشی هستند و.... و لقبهای درشتی میدادند که آدم خودش هم ناراحت میشد فقط به خاطر اینکه حقشون رو نندن بهشون گفتم خوب توی يك نماز خونه جمعشون میکردین و مشکلات اونها را میپرسیدین ، چه مشکل اقتصادی داشتن که اعتراض کردن ؟؟؟؟ گفتن دلشون نخواستته!!!!

درکل تمام چیزها به دل مسئولین بستگی داره، اصلا برایشون مهم نیست که خانواده هایی که نونشون بریده میشه ، یکی مثل شوهر من با زندگیش بازی میشه، اصلا برایشون مهمه نبود ، فقط خواستم که شما واقعا اگه میخواهید کاری برای کارگرا کرده باشید حرفهای ما رو به طور تمام وکمال بنویسید .

نگران حال آقای ... هستم میپرسم الان حالشون چطوراست؟ و در بیمارستان هستن؟

من همسرم را خودم از بیمارستان مرخص کردم به خاطر جونا ارام کارخانه که هر روز ناراحتیه و دائما کارگران را يك جور ننگه میداشتن که نتونن جيك بززن، به خاطر همین يك مقدار عصبی شده بود و قسمت سی سی یو هم ساکت و يك طوریه که مریض با مریض نمیتونه صحبت کنه و وقتی دیدم که روز به روز وضعیتش خراب و خراب تر میشه تصمیم گرفتم که ببرمش پیش دکتر خودش که در شیراز. ایشون هم نامه داده که این از کار افتادگی کلی است و تاحالا سه چهار بار گواهی پزشك متخصص استادیار دانشگاه شیراز را بردم ولی هیچ جا قبول نکردن .دکتر دستور داده : این کار افتاده کلی است و نباید کار کنه اما هیچ ارگانی قبول نمیکنه!!!! میگویند برو هر وقتی سینه اش را شکافتن، عملش کردن، آن یعنی از کار افتاده. الان هم که پیش دکتر بردم میگن باید عمل جراحی انجام بشه که اصلا درتوان مالی ما نیست و کسی هم نمیتونه این شرایط مالی را فراهم کنه.

همکاران میگفتن که حتی پول تخت و بستری کردن در سی سی یو رو نداشتین و روزهای اول نتونستین بستری کنین آیا الان وضعیت مالی چطوره ؟

سر وضعیت مالی ما هم دکتر گفته که باید سریعتر عمل انجام بشه که این درتوان ما نیست. من نمیتوانم به بیماری شوهرم برسم بالاخره يك جوری در حق آقای ... ظلم شده است ، ما مجبوریم حق به شون بدیم هر روز میگن ان شالله حل میشه ، نمیدونم سرگرمون میکنن که کاری نکنیم ... الان هم وضعیت طوریه که اکثرا داروهایی که برایش باید بگیریم عصبی است، از نظر قلبی هم خیلی باید مواظبش باشیم، هر آن هر شوکی هراسترسی ... حتی تلفن ها را خودم جواب میدهم که يك وقت دوستانش حرفی نزنند... دکتر گفته اصلا نباید صحبت این چیزی رو که باعث شده کارش به سی سی یو بکشه را بزنی و صحبت عادی هم نمیتونیم باهاش بکنیم ، خدشاهد است دیشب تا صبح بیدار ماندم تا ایشون ده دقیقه بخوابه چون سینه اش درد میکرد و چون قرص هایی که بهش میدهند گیج میشه که میخوابه ، بالای سرش بودم که يك وقتی مشکلی پیدا کرد سریع ببرم بیمارستان .

واقعا ایجا ظلم فاحشی است، بدون هیچ دلیل فقط به خاطر دل مسئولین اخراج میکنند . همسر من چند سال پیش باید يك باطری به قلبش وصل میکرد اما ما توی مسائل زندگیمون موندیم ،حتی درخجمون، در خیلی از مسائل پیش پاافتاده مونده ایم که نمیتونست حتی به خودش فکر کنه ، این يك سال هم با اینکه ایست قلبی کرده بود و باید استراحت میکرد و دکتر تشخیص داده بود که باید از کار افتاده باشند، اما شدیداً کار میکرد اضافه کاری میکرد ، روزهای عید و تعطیلی هم تا ساعت ۹۳۰ تا ۱۰ شب سر کار بودند که فقط بتونند چرخه زندگیش رو بچرخونه و در حد يك زندگی خیلی ساده ، و نتونستیم کاری که دکتر گفته بود رو انجام بدیم دکتر گفته يك باطری به قلب باید وصل شود و آنژیو

هم بشن که ما این هزینه رو نداشتیم .

با خجالت و آرام در نقاطی با مکث و من و من (شرم) ادامه میدهد:

وقتی همسرم ایست قلبی کرده بود و بستری بود دوستان، مسئولین و اعضا شورا به بهانه ملاقات به منزل ما آمدند و وضعیت منزلمون رو دیدن ، وضعیت منزلمون جوری نیست که این طور است که میتونم بگم آدمی باید خیلی

مجبور باشه که در همچین جاهایی زندگی کنه، فقط سقفی هست بالای سر. اما کمترین ترتیت اثری ندادن، حتی

درمورد بیماری هم کاری نکردن و ما هم پولی نداریم که به داد مشککش برسیم. الان هم دکتر دستور دادن که باطری

بگذارن و من هیچ هزینه اون رو ندارم حتی بعضی مواقع هزینه نوبت دکترش را نداره پرداخت کنه و اکثر موقع ها

نمیره و هر وقت هم میره هزینه دارو را نداره و وقتی دکتر میره دکتر میپرسه :چرا دارو را که من نوشتم نگرفتی

بخوری؟؟؟؟

همه اش به خاطر وضعیت مالی و فقط به خاطر شرکتی که کارگراتش رو به این حد محروم و فقیر نگه داشته، من

خانواده خودم را که مبینم زیر خط فقر و ، پایین ترین خطی که بخواهید از لحاظ مالی هم هیچ مکتت مالی ندارد و فقط

يك سقفی بالای سر...

میپرسم میخواهید چکار کنید؟ با امیدی که معلوم است خودش هم به آن معتقد نیست میگوید:

تصمیم گرفتیم اگر که برگشت به کار دادند و امی بگیریم که عمل انجام شود، چون بدون کار و حقوق که به من وام

نمیدهند، هرچی هم من به کارخانه مراجعه کردم اینها من رو سرگردون کردند، من رو به گریه انداختن به التماس

انداختن طوری که به شرکت رفتم حاضر بودم دست و پایشان را ببوسم والا فقط به خاطر شوهرم وضعیت جسمی

خودش. ۲۰۰ تومن چیزی نبود که شرکت به شوهر من میداد، ۲۰۰ تومن چیزی نیست که این شرکت به کارگراتش

میده ... فقط جنبه حیثیت است بیشتر بر اش مهم بود جنبه آبرویی که از اش رفته و مارکی که بهشون چسبوندن، آقای ...

واقعا از جون و دل کار کردن، هر قسمتی بگین کار کرده، وجدان کاری و افری داشت ولی درحقیقش این کار را کردن آیا

اقدامی برای برگشت به کار یا اعتراض به حکم اداره کار کردین؟

من هنوز اقدامی برای شکایت و... نکردم. برای من الان بیشتر وضعیت جسمی همسر مهم است.

بنا به گفته دکتر من هیچ اقدامی نکردم فقط موقعی که تو بیمارستان بودیم دوستان و همکاران همسرم نامه ای را روی

پرونده گذاشتند و امضا کرد چون گفتند که چون يك تایم خاصی داره که اگر اعتراض نکنی مشکل برات پیش میاد.

الان تنها اقدامی که میکنم همینه که زنگ میزنم به مسئولان که :خواهش میکنم شوهر من را بیشتر از این اذیت نکنین،

ناحق بیرون کردین واقعا وضعیت جسمی که داره را روز به روز به نابودی میکشونین من حرفم این است که وقتی

میخواهید کارگری را بیرون کنید حقش رو بدین، من دو تا بچه دارم این ضلم است توی خانه ای که هیچی نداره همین

طوری ما را رها کنند ،

اگه بخواهیم صدای شما رو منعکس کنیم چی بنویسیم ؟

وقتی شوهرم ناراحت میشه، بهش میگویم ناراحت نباش به من قول مساعد دادن... جلوش نمیتونم سراین صحبت کنم ،

اخه وقتی که بهشون مراجعه کردم میگن که امیدت به خدا باشه... بهشون میگویم: اگر خدا کرده که من بروم ۳

روز در مسجد معتکف بشوم و خدا جوابم را بدهد، آخه شما کردید شما زیر ورفه را امضا کردید شما باعث شدید بنا

به درخواست شما اداره کار نامه به دست شوهر من داد که حاصل عمر و زندگیش و بهترین روزهای عمرش بشه ۳۹۰ تومان، همسر من ورزشکار و قهرمان بوده و توی شرکت مدالهای زیادی و لوح تقدیر قهرمانی بهش دادن، توی این کارخانه هم سلامتی و هم زندگیش رو گذاشت... حالا خیلی راحت میگویند برو بیرون ... خیلی راحت بهش گفتن بدون اینکه چیزی دستش بگیره، برو بیرون....

(بغض راه گلویم را گرفته و نمیدانم چه بگویم و چطوری دلداریش دهم... میگذارم راحت حرفهایش را بزند) سکوت کوتاهی میکند و سعی میکند بر خودش مسلط شود، دوباره ادامه میدهد.

هزینه عمل و باطری لازم داره ما مراحل اول درمانش را نرفتیم، دکتر گفته باید باطری کاشته بشه، ما این هزینه ها را نداریم... اگه به مسئولین هم مراجعه کنیم، اصلا براشون مهم نیست زندگی کارگراشون براشون مهم نیست، حیات کارگراشون براشون مهم نیست. بار اول که وضعیت خون مون رو دیدن يك مقدار خوشحال شدم که بهانه ای شد که ببینند، اما متاسفانه ترتیب اثر که ندادن هیچ همون نون بخورو نمیرا هم از ما گرفتن.

تصمیم گرفتم باهاشون تماس بگیرم که بالاخره میخوانند با آقای ... چکار میکنند، جلوی خودش که نمیتونم چیزی بگویم... چون واقعا براش سمه چون دکتر گفته که: اگر میخواهید بکشیدش باهاش در این مورد حرف بزنید، در مورد کاری که ایشان را به بیمارستان کشونده فکرش رو هم نباید بکنه، فقط به همین دلیل هم من هیچ کاری نکردم، گذاشتم خودشون کاری بکنن، خودشون کردن خودشون درست کنن یا خراب کنن، اونوقت اگر کاری کردند که چه بهتر با آه میگوید: اگه هم نه که مطمئن باشین آه و نامه من و بچه هایم نمیگذاره اینها سالم از میدون بیرون برن چون بالاخره ما هم خدایی داریم.

با تاکید میگوید اینها رو هم حتما بنویسید:

وضعیت يك کارگر يك شرکت خیلی باید برای يك مسئول مهم باشه، وضعیت جسمی و مالی و روحی باید برای يك مسئول مهم باشه، ولی وضعیت ما رو مسئولین میدونن ولی هیچ کاری برای ما نکردن، من الان وضعیت جسمی همسرم برایم مهم است که بهشون هم گفتم، خدای ناکرده من میخوام پدر بچه هام بالای سر بچه هام باشه خدانکرده اگر موردی پیش بیاد ازشون نمیگذرم، چون میبینم نامه اینها باعثه و نامه اینها نمیدونم میخواستن بترسونند یا اهرم فشار باشه با هر نیتی که داشتن قلب ضعیف شوهر من رو ضعیفتر کرده، اصلا زندگیم مون بهم ریخته، همه جوره، من الان خودم دارم سعی میکنم يك جوری جو را آرام نگه دارم به خاطر وضعیت جسمی شوهرم اقدام نکردم....

من میخوام پرونده قطور پزشکی همسرم را به رییس جمهور که به شیراز آمده بودند نشون بدهم اما با خودم فکر کردم خیلی ها وضعیتشون خرابتر از من است و بگذارنوبت را به آنها بدهم، میدان رو برای اونها باز کنم، من هنوز هم شاید بهتر از اونها باشم چون کسانی هستند که وضعیتشون بدتر از منه، حالا وقتی وضعیت خانوادگی و مالی خودم را میبینم، میفهمم این صبوری خود و شوهرم و بچه هام بوده که تونستیم زندگی مونرا بگذرونیم و حقوق شرکت رو مثل مهره های شطرنج کنار هم میچیدیم و سالی به ۱۲ ماه را طی کنیم، حالا شوهر من که اینهمه در این شرکت زحمت کشیده، توی قسمت های کارخانه کار کرده، جمعه پنجشنبه نداشته، عید نداشته، آیا حقشه بدون سنوات، بدون چیزی

بهش بدن از شرکت دستش رو بگیرن بیرون کنن، يك چیزی هم اضافه کنن... تهمت هم بزنن... مارك هم بشون

بچسبونن... به جرم تخریب و فحاشی!!!!؟ خوب آخه شوهر ضعیف من کجا را تخریب کرده؟؟؟ کجا را خراب

کرده؟؟؟ اینها خیلی راحت الان دارن محوش میکنن... از صحنه زندگی هم دارن محوش میکنن... توی روی زن و بچه هم شرمنده است این شرمندگیش وضعیت روحیش رو بدتر میکنه که نمیتونه برای زن و بچه هاش کاری بکنه... آقای... حتی يك لباس گرم نمیتونه برای خودش تهیه کنه لباس گرم آقای... همونی بود که شرکت به عنوان حکم قهرمانی که بهش داد يك دست لباس ورزشی دادن لباس گرم آقای... همونه که نتونسته يك کاپشن برای خودش بخره... آیا این ظلم نیست؟؟؟ آیا بدون اینکه من بخوام تعریف کنم میشه ظلم رو ببینین؟؟؟ بدون اینکه من بخوام حرفی بزنم میشه ظلم را ببینین فاصله طبقاتی بین سرمایه دار و کارگر، کارگرهای دیگه هم وضعیتی مثل ما دارن، شرکت آزمایش کارگرایش همه وضعیتشون مثل ماست...

میدانم که درد دل زیاد دارد و میدانم چه بگویم و با چه کلمه و جمله ای مرحمی برزخم هایش و امیدی به او بدهم... قطرات اشکم را پاك میکنم و برای همسرش آرزوی سلامتی و برای خودش آرزوی امید و پشتکار میکنم اما در این فکر هستم چه چگونه میتوان به او و این کارگران زحمتکش و ظلم دیده کمک کرد؟؟؟ به نظر شما چه کار کنیم؟؟؟

از شما دوست عزیز میپرسم شما و من و ما چه کمکی میتوانیم برای او بکنیم؟ منتظر هستم که اگر نظر یا کمکی دارید که به ما هم بگویید یا اقدام کنید که شاید مرحمی کوچک و درمان دردی باشد.

با تشکر

خبرنگار کمیته کارگری پویا

الهه کریمی در یکشنبه بیست و سوم دی ۱۳۸۶